

## باسمه تعالی

کتاب حکمت‌ها و اندرزها در ۲ مجلد، مشتمل بر مقالاتی از استاد شهید می‌باشد که مقالات جلد اول آن در فاصله زمانی ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۱ و جلد دوم آن در فاصله زمانی ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۴ به رشته تحریر در آمده است. این مقالات برای یک برنامه عمومی آشنایی با فرهنگ اسلامی به نگارش در آمده و مطالبی در آشنایی با راه و رسم صحیح زندگی و درک صحیح از برخی مفاهیم اسلامی و تهذیب و پالایش نفس تأثیر بسزایی خواهد داشت.

## جلد اول

### ❖ خدانشناسی مبنای انسانیت

امیرالمؤمنین علی علیه السلام: «آغاز و پایه اول دین، شناختن خداست» زیربنای همه افکار و معتقدات و اخلاقیات و دستور العمل‌های دینی، خدانشناسی است. دینداری صحیح اگر بخواهد بنا شود باید از پایه توحید آغاز گردد. هنگامی که رسول اکرم به رسالت مبعوث شدند فرمودند: مردم بگویند «لا اله الا الله» تا رستگار شوید. ایشان دین را از کلمه آغاز کرد. خدانشناسی نه فقط اول دین، بلکه پایه و اساس انسانیت است و انسانیت از خدانشناسی نمی‌تواند جدا گردد. پایه اصلی تقوا، پاکدامنی و راستی... همین خدانشناسی است.

### ❖ خدانشناسی، پایه و اساس دین

خدانشناسی به مثابه تن درختی می‌ماند که اصل نبوت و اصل معاد شاخه‌های آن هستند. الفبای دین، خدانشناسی است.

### ❖ دین، پشتوانه سعادت

خوشبختی انسان در زندگی این است که با عواملی که او را احاطه کرده، سازگار باشد. از جمله محیط طبیعی و محیط اجتماعی که در آن زندگی می‌کند. دین در هر دو مقام ضروری است. هم برای سازگار ساختن محیط اجتماعی با زندگانی فرد یعنی ایجاد عدالت اجتماعی و هم در ایجاد توافق و انطباق در روحیه فرد با مصالح عالی‌ه اجتماع مثل ایثار، نیکوکاری.

### ❖ بردگان و آزادگان

به فرمایش امیرالمؤمنین: مردم در چند صباح زندگی دو دسته‌اند. ۱- گروهی که خود را در بازار جهان می‌فروشند و برده می‌شوند. ۲- گروهی که خود را می‌خرند و آزاد می‌شوند. (نهج البلاغه، ح ۱۳۳) بندگی هزار نوع و شکل دارد. مثلاً بندگی طمع، بندگی عادات جاهلانه و پول پرستی و ... و انسان باید از تمام این بندگی‌ها رها باشد و بگوید «غیر حق را من عدم انگاشتم» و روحش را در مقابل یک فرمان خاضع کند و آن هم خداوند متعال می‌باشد.

### ❖ یاد خدا تنها مایه آرامش جان

همانطور که جسم انسان نیازهایی دارد و عوارضی بر آن عارض می‌شود مثل بیماری، خستگی روح انسان نیز چنین است. با همه تفاوت‌هایی که بین این دو است. ایمان یکی از حوائج فطری و تکوینی ماست بلکه بالاترین حاجت ماست. قرآن می‌فرماید: بدان که تنها با ذکر خدا و یاد خداست که جان آرام می‌گیرد.

### ❖ دین یگانه رام کننده نفس اماره

در درون انسان یک جنگ درونی بین نفس اماره و نفس لوامه وجود دارد و این آشفتگی‌های در عمل مولود و معلول همین آشفتگی روح است و آن قوه و قدرتی که می‌تواند این آشفتگی‌های درون را تبدیل به انتظام و استحکام نماید و عمل انسان را منظم و یکنواخت و بر راه راست کند، همان دین است.

### ❖ راه سعادت

تنها ایمان و اعتقاد به معنویات و سپس نیکوکاری بر اساس آن اعتقاد مقدس است که قلب را آرام و رضایت خاطر را تأمین می‌کند و سعادت را میسر می‌سازد. در حدیث است که «خداوند خوشی و آسایش را در دو چیز قرار داده: یقین و رضایت خاطر» یقین همان ایمان محکم است و رضایت خاطر یعنی خشنود بودن از این که عمل خویش را طبق فرمان خداوند متعال آورده است. منتهای سعادت یعنی آدمی در ناحیه عقل دارای محکم‌ترین اطمینان‌ها، در ناحیه قلب دارای پاک‌ترین نیت‌ها و در ناحیه عمل دارای نیکوترین عمل‌ها باشد.

### ❖ ارکان سعادت بشر

بشر جز با دانستن ۴ خصلت زیانکار و بدبخت است؛ اول: ایمان، دوم: عمل درست و صحیح، سوم: تشویق افراد یکدیگر را به حق، چهارم: توصیه افراد یکدیگر را به استقامت و صبر. این ۴ رکن که در سوره عصر آمده، چهار ستون سعادت بشر هستند.

### ❖ ایمان و عمل صالح

ایمان به ذات یگانه نیز اگر خالص و عارفانه باشد، ایمان به همه حقایق را در بردارد. چون تمام حقایق منبعث از ذات اوست. حال که انسان از نظر روح تلاش نمود و ایمان کسب کرد، در ناحیه جسم نیز به توصیه قرآن عمل صالح انجام می‌دهد که این دو رکن سعادت بشر هستند. انسان به حکم استعداد فطری خود از یک طرف استحقاق بزرگی برای استفاده از مواهب خلقت دارد و از طرفی دیگر.....

### ❖ خواری معصیت و عزت طاعت

خداوند یک نوع بی‌نیازی و عزت بین همه مردم به طور مساوی تقسیم کرده که همه می‌توانند از آن برخوردار شوند و فقط اندکی معرفت و زحمت لازم دارد و آن عبارت است از تحصیل اصولی محکم در زندگی بر مبنای خداشناسی و تقوا و دیانت.

### ❖ ارزش سرمایه عمر

یکی از شرائط موفقیت انسان، درک کردن قیمت و ارزش وقت است. و طول امل نباید ما را در خواب غفلت فرو برد که این عمر را که سرمایه و فرصتی است برای سعادت آخرت را فراموش کنیم.

### ❖ دنیا مزرعه آخرت

این جمله از رسول خداست. حتی او نسبت به دخترش فاطمه زهرا سلام علیها فرمود: «خودت برای خودت عمل کن» و رسیدن به مقامات اخروی و معنوی بدون عمل به دست نمی‌آید.

## ❖ انسان مربی خود

امیرالمومنین علیه السلام: «از نفس خودتان حساب بکشید پیش از آنکه شما را به حساب بکشند...» یکی از مفیدترین دستوره‌های دینی همین است. یعنی در تربیت انسان علاوه بر معلم و مربی، این خود انسان است که باید درباره خودش بیندیشد و تصمیم بگیرد؛ خلاف حیوان و گیاهان و باید دو شخصیت پیدا کند: ۱- فرمانده خود باشد. ۲- فرمان پذیر از معلم. (لوامه)

## ❖ محاسبه نفس

آدمی کمتر توجه دارد که متاع سعادت جز عمل چیزی نیست و چون توجهی به این اصل ندارد خیلی عمل خود را ساده می‌گیرد. محاسبه نفس یعنی از نفس حساب کشیدن که چه کردی و چه کار نکردی. کسی که ایمان به حساب و کتابی در جهان و به اینکه عمل گم نمی‌شود دارد، باید محاسبه نفس داشته باشد و این عمل قبل از آنکه یک وظیفه شرعی باشد یک وظیفه عقلانی است. عالی‌ترین مظهر عقل و تربیت صحیح خطایابی از خویشتن است.

## ❖ ظلم به نفس

یعنی ظلم به خویشتن این سوال پیش می‌آید که چگونه ممکن است که آدمی به خود ظلم کند؟ علت ظلم به نفس ۲ چیز است؛ یکی: غفلت، دوم: جهالت. خیلی از .....؟..... از روی جهالت و نادانی به خیال اینکه به خودش خیری برساند، شری رسانده است. همه گناهانی که مرتکب می‌شود به خیال خود حظ و بهره‌ای به خود رسانده در حالی که در حقیقت جز دشمنی و ظلم به خودش چیز دیگری نبوده است.

## ❖ توبه

توبه رجوع و بازگشت واقعی بنده به سوی خداوند است. ارکان توبه، ندامت از کار بد و تصمیم به ترک آن گناه است. توبه حقیقی یعنی انصراف جدی و بازگشت واقعی از گناه به سوی صلاح و ارشاد. توبه در دو جایگاه پذیرفته نمی‌شود: ۱- در همین دنیا آنگاه که کیفر رسیده باشد. مثل فرعون در حال غرق شدن، ۲- جهان آخرت.

## ❖ استغنا و بی‌نیازی، حافظ کرامت آدمی

برای انسان در این جهان موهبتی بزرگتر از احساس عزت و شرافت نیست. همان فرمایش امیرالمومنین علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام که فرمود: هرگز بنده دیگران نباش، خداوند تو را حرّ و آزاد آفریده است و انسان برای حفظ این عزت باید از دست درازی پیش این و آن خودداری کند و سعی نماید مایحتاج خود را خود با توکل به خداوند تأمین نماید.

## ❖ حقیقت زهد

معنای زهد یعنی بکار بردن یک نوع اصول خاص در زندگی مبنی بر مقدم داشتن فضیلت و اخلاق بر مطامع مادی است. مقصود از اینکه می‌گویند علاقه دنیا و محبت آن مذموم است آن علاقه و میل فطری نیست، آن ممدوح است و حتی در قرآن این علاقه‌ها و میل‌ها به عنوان آیت خداوند ذکر شده (روم ۲۱). بلکه آن چیزی که مذموم است دلخوش بودن و سرگرم بودن به این امور و راضی بودن به اینها و غفلت از آخرت مذموم است. و همه پستی‌های اخلاقی از قبیل دروغ و ریا و ... ناشی از دنیاپرستی است و همه فضایل عالی‌ه انسانی معلول زهد و قناعت به زندگانی دنیاست.

### ❖ ساده زیستی و پرهیز از تکلف

یکی از اصول زندگی حضرت رسول سادگی و پرهیز از تکلف بود. اصول زندگی موجب گشایش و رفاه زندگی است ولی قیود و تکلفات موجب ناراحتی است. یکی دیگر از اصول زندگی حضرت، نظافت بود. علت مقید شدن به زندگی متکلفانه، کوچکی روح و نداشتن شخصیت است.

### ❖ حق و تکلیف

در سوره احزاب آیه ۷، خداوند متعال از امانتی بزرگ سخن به میان می آورد که همه موجودات از پذیرفتن مسئولیت آن سر باز زدند و لکن فقط انسان آن را پذیرفت و آن تکلیف و مسئولیت است. انسان موجودی مختار است و بسیاری از کمالات خود را در پرتو تکلیف و قانون طی می کند و این افتخاری بسی بزرگ برای اوست که می تواند حقی را به عهده بگیرد و وظیفه ای را گردن نهد.

### ❖ خصوصیات حق از نظر علی علیه السلام

از دیدگاه حضرت، حق ۴ خصوصیت دارد: ۱- به نفع احدی جاری نمی شود مگر آن که علیه او نیز جاری می شود. ۲- در زبان و سخن خیلی آسان است ولی در عمل و تحقق مشکل. ۳- رعایت حق در جامعه بدون تعاون و همدرد بودن و همکاری- های اجتماعی میسر نیست. ۴- اهل حق هرگز از اینکه تذکری به آنها داده شود ناراحت نمی شوند.

### ❖ حقوق مردم بر یکدیگر

تنها موجودی که بر دیگران حق داشته باشد و دیگران بر او حق نداشته باشند و او فقط طلبکار باشد ذات اقدس الهی است. در این مقاله به حق رعیت بر والی و والی بر رعیت اشاره شده. طبق فرمایش امیرالمومنین علی علیه السلام انتقاد کننده دو شرط باید داشته باشد. یکی آن که حسن نیت داشته باشد و دیگری آن که حسن تشخیص داشته باشد. اگر انتقاد این دو ویژگی را داشته باشد موجب حرکت و اصلاح می شود؛ در غیر این صورت سبب هرج و مرج و توقف می گردد.

### ❖ دوران خلافت علی علیه السلام

دوره خلافت کوتاه امیرالمومنین پر از فتنه و آشوب است که مطابق فرمایش خود حضرت نطفه این فتنه ها را باید در دو عامل سکر و طغیان نعمت ها در میان یک عده و کینه و انتقام در میان یک عده دیگر جستجو کرد. حضرت در دوره خلافتش مورد دو اتهام واقع شد: یکی داستان قتل عثمان، که مستمسک اصحاب جمل و صفین بود و دیگری داستان حکمین، که مستمسک خوارج بود. که یکی از عوامل مهم همه این فتنه ها جهالت عامه مردم بود.

### ❖ تربیت علی علیه السلام و مقام نهج البلاغه

مورد اتفاق است که تربیت امیرالمومنین علیه السلام را از کودکی حضرت رسول به عهده داشتند و او با اخلاق خیر پیغمبر از همان اول آشنا شد. علت اصلی این تحت نظر گرفتن و تربیت آن حضرت توسط پیامبر مناسبات معنوی بوده تا در آینده معین و وزیر او بوده باشد. نهج البلاغه که توسط ادیب و دانشمند بنام سید رضی جمع آوری شده، این کتاب علاوه بر اینکه آیت فصاحت و بلاغت و سخنوری است یک گنجینه نفیسی از معارف اسلامی بعد از قرآن می باشد. به منزله یک دایره المعارف می باشد از موضوعاتی که زیاد مورد عنایت حضرت است. مسأله زهد، ورع و توجه کلی به آخرت و مغتنم شمردن ایام عمر است. همچنین حقوق اجتماعی و عدالت و سیاست و روش خاص اراده اجتماع که همان روش صاف و صادقانه است می باشد.

## ❖ روش سیاسی علی علیه السلام

از مواردی که نسبت به حضرت اعتراض می‌کرد یکی تقسیم بیت المال بود و دیگری اصل صراحت و امانت و صداقت در سیاست بود. او سیاست و هدفش همان احکام اسلام بود.

## ❖ دشمنان عقل

وجود انسان یک نسخه جامعی از جهان بزرگ است. هر چه در جهان است، نمونه‌ای از آن در وجود انسان است. روی همین اصل می‌بینیم که حالات و قوای معنوی بشر در یکدیگر تأثیر مخالف می‌کنند. عقلی که در وجود انسان است دشمنانی دارد که اثر آن را خنثی می‌کنند؛ مثل خودپسندی، طمع، خشم و ... این همان نزاع و تصادم جهان بزرگ است که در وجود انسان موجود است. عقل مرکز تدبیر و بینش انسان است بطوری که درباره پیامبران گفته‌اند که آنان خدمتگزار عقل و فطرت بشر هستند. پیامبران معلم تقوا و طهارت و فضیلت می‌باشند که اگر این‌ها در روح پیدا شود، دشمنان عقل به گوشه‌ای می‌گریزند و حکومت عقل را مستقر و ثابت می‌کنند.

## ❖ تقوا و روشن بینی

از قرآن کریم بطور صریح رابطه مستقیم تقوا و بصیرت به دست می‌آید. بین دل که کانون عواطف است و عقل که کانون ادراکات است ارتباط برقرار است. در استفاده از یک تجربه ۲ چیز مؤثر است: یکی میزان عقل و علم و دیگری میزان طهارت روح. و تا انسان روشن بین نباشد، راه سعادت خویش را پیدا نمی‌کند و تا رذیله‌های اخلاقی از بین نرود، نور افکن عقل نمی‌تواند راه را بر انسان نشان دهد.

## ❖ روحیه سالم

انسان مثل درختی می‌ماند که اگر چه گاهی اوقات آفات میوه او را از بین می‌برد ولی خود درخت سالم است. اگر انسان می‌خواهد که روحیه سالم داشته باشد، باید همیشه ایمان و توکل داشته باشد.

## ❖ آرزوهای دراز

اساس سعادت بشر در دنیا و آخرت عمل است. افرادی که روحیه سالم دارند آرزوهای ناشدنی را نمی‌کنند. برعکس کسانی که افراد ضعیف در عمل و اراده هستند بر مرکب خیال سوار می‌شوند و با آرزوهای نامعقول، فرصت عمر خود را تباه می‌کنند. و آن مقدار از نیروی مغزی و عضلانی خود را که باید در فکر صحیح خرج کنند در خیالات واهی و آرزوهای دور و طولانی مصرف می‌کنند.

## ❖ مرگ در نظر مردان خدا

ترس از مرگ، غریزی هر موجود جاندار است. و ریشه همه ترس‌های انسان هم ترس از مرگ است. آری اگر کاخ روحیه انسان کاخ امل و آرزو باشد، تصور مرگ آن را فرو می‌ریزد. ولی اگر کاخ ایمان باشد، تصور که هیچ بلکه خود مرگ هم کوچکترین تأثیری نخواهد داشت. آری مرگ برای مردان خدا که حکم انتقال را دارد ترسی ایجاد نمی‌کند ولی برای کسی که حکم .....؟!.....

## ❖ سرمایه خلق نیک

مانند سرمایه مالی محدود نیست. اولیاء دین، خیرخواهی مسلمانان را فریضه ذمه خویش می‌دانند. و این از دستورات اسلام نشأت می‌گیرد که می‌فرماید فرد باید روحیه‌اش صد در صد اجتماعی و خود را جز و لاینفک اجتماع بداند و حیات و سعادت و شقاوت و همه چیز خود را وابسته به اجتماع بداند. که این یکی از مظاهر اجتماعی بودن تعلیمات عالیة اسلامی است.

## ❖ قلب سلیم

قرآن وقتی که قیامت را وصف می‌نماید چیزی را که موجب سعادت انسان می‌داند قلبی سلیم است. یعنی قلبی که هیچ نوع بیماری از قبیل کینه و حسادت. بلکه قلبی که منور باشد به نور معرفت خدا و در آن شکی و شرکی وجود نداشته باشد. دنیا محدود است و آخرت نامحدود. قلب سلیم سعادت و نیاز به سعادت آخرت متصل می‌کند. آدمی را از دایرة محدود خودبینی خارج می‌کند خالص برای خدا می‌گردد. و با همین مال و جاه و ابزارهای دنیا، خانه آخرت را می‌سازد.

## ❖ تأثیر کار در تهذیب اخلاق

کار و عمل از نظر اسلام بسیار محترم و مورد تکریم است و این هم بدلیل نتیجه آن است. نتیجه کار: ۱- خلاصی از فقر، ۲- بر عزت و شخصیت انسان می‌افزاید، ۳- موجب سرگرمی فکری است یعنی فکر انسان متوجه اصلاح کار خویش است. که خود این ۲ نتیجه دارد: ۱. دیگر مجالی برای فعالیت قوه خیال نیست، ۲. فکر انسان عادت می‌کند که همواره منظم کار کند که خود انتظام فکر یکی از اصول شخصیت انسان است. ۴- مصرف درست انرژی که به روح صفا و به دل نرمی و خشوع می‌دهد. در قرن دوم تاریخ اسلام یکی از افکار انحرافی که پیدا شد این بود که کار را منافی با تقوا می‌دانستند. که این فکر مخالف نظر اسلام است.

## ❖ لزوم همگامی کار و دانش

در قرآن کریم بر رسول خدا وحی می‌شود که «بگو خدایا بر دانش من بیفزای» با این سفارش خداوند بر رسول خدا حال دیگر افراد امت روشن است که آنها باید هم آواز شوند و بگویند خداوندا بر علم و دانش ما بیفزا. این فقط گفتار نیست بلکه کردار و رفتار و حرکت باید به سوی افزایش علم باشد. و بارها در آثار دینی ما به این نکته اشاره شده که علم و معرفت به عمل ارزش می‌دهد. روی همین اصل است که در اسلام دو چیز محترم است، کار و دانش. و این دو از هم جدا نیستند یعنی باید کارگر ما عالم باشد و عالم ما اهل عمل و کار. و جدایی این دو از هم عامل رکود بشریت است. و یکی از خدمات بزرگ اسلام این بود که هر دو این را وظیفه همگانی اعلام کرد. و همکاری همین علم و کار است که موجب پیشرفت چشم‌گیر بشریت گشته است.

## ❖ صبر و ظفر

مسأله شانس و بخت در خوشبختی‌ها و بدبختی‌های دنیا، یک خیال و یک واهمه شیطانی بیش نیست. و آن را دین و عقل به رسمیت نمی‌شناسد. گلیم بخت هر کس همان صفحه روح و آینه قلب خود اوست. علم و معرفت، ایمان و تقوا و مداومت بر عمل صالح این صفحه را سفید و نورانی می‌کند و جهل و خرافات و فسق و فجور، آن را سیاه می‌نماید. راه صحیح در رسیدن به موفقیت این است که انسان شخصیت و استعدادهای مکتوم خود را فراموش نکند. یکی از اموری که در موفقیت انسان دخیل است حوصله و صبر زیاد است. که این عامل باعث مداومت در کار می‌شود و در نتیجه موفقیت حاصل می‌شود. فرمایش امیرالمومنین علی علیه السلام «آدم با حوصله، ظفر را به چنگ خواهد آورد ولو بعد از یک زمان طولانی»

## ❖ اختیار ، امتیاز بزرگ انسان

حکماء درباره انسان گفته‌اند: «انسان حیوان اجتماعی است.» یکی از امتیازات بزرگ انسان اختیار و آزادی است. و این مبنای قانون و اخلاق و مقررات و مبنای نبوت و رسالت و کتب آسمانی است. و همین آزادی مبنای فضیلت او بر فرشتگان است.

## ❖ نعمت زبان و نطق

شکر واقعی یک نعمت به این است که بدانیم وظیفه در مورد آن چیست و همان را بجا بیاوریم. یکی از این نعمت‌های بزرگ، زبان و نطق است که بهترین مظهر تعقل و فکر انسان است. اگر این قوه نبود برای بشر زندگی اجتماعی و تفهیم و تفهم مقدور نبود. شکر زبان به این است که وسیله حق گویی و راست گویی باشد و کاشف حقیقت باشد. این زبان موضوع بزرگترین گناهان نیز می‌باشد. مانند نفاق، تهمت و ... که از گناهان کبیره می‌باشند از همین زبان ناشی می‌شود.

## ❖ تأثیر عمل در هدایت بشر

انسان‌ها با این که دارای قوه فکر و تشخیص هستند و می‌بایست همواره مستقل فکر نمایند و عمل کنند اما کم و بیش تحت تأثیر عمل دیگران هستند. پس چه بهتر که از این ویژگی انسان در راه خیر و صلاح استفاده شود و کسی که پیشقدم در کار خیر می‌شود و دیگران از او تقلید می‌کنند در حقیقت دو کار کرده است: ۱- خود، آن کار خیر را انجام داده، ۲- سمّت هدایت دیگران را پیدا کرده است. و اصلاً تأثیر عمل، در اعماق روح انسان‌هاست به خلاف روش هدایتی گفتار. و سرّ موفقیت پیامبران نسبت به حکماء در همین نکته است.

## ❖ روح اجتماعی مومن

طبق فرمایش رسول الله: محکم‌ترین دستگیره‌های ایمان، حب و بغض به خاطر خدا است. در متون روایات ما آمده که کمتر حقی که مومن نسبت به مومن پیدا می‌کند، این است که هرچه برای خود می‌خواهد برای او نیز بخواهد. و این همان روح اجتماعی است یعنی جامعه زنده باشد و نسبت به همدیگر عاطفه اجتماعی داشته باشند.

## ❖ رعایت جنبه‌های معنوی و اخلاقی در انفاق

یکی از موضوعاتی که در قرآن در رابطه با انفاق مطرح شده، رعایت جنبه‌های معنوی و اخلاقی آن است که بعضی از این‌ها مربوط به انفاق کنندگان است مثل خالی بودن انفاق از هر نوع ریا، ... و تنها منبعث از وجدان زنده و ایمان و صرفاً جنبه همدردی داشته باشد. و فقط برای رضای حق باشد. و همچنین باید در انفاق شخصیت روحی طرف مقابل خرد نشود. مثلاً مخفیانه کمک کردن.

## ❖ فقر روحی و فکری

در حدیث آمده که هیچ هدیه‌ای گران‌بها تر از این نیست که کسی فکری، حکمتی، دستورالعمل صحیحی برای زندگی به دیگری هدیه کند. نظایر این تعابیر در روایات ما زیاد است و ما از این‌ها می‌فهمیم که از نظر اسلام راهنمایی فکر و عقیده مردم در چه درجه از اهمیت است. و فقط روحی بالاتر از فقر اقتصادی است.

## ❖ فقر معنوی

انسان طبعاً از فقر گریزان است. چیزی که است، فقرهای مادی خیلی واضح است و همه می‌فهمند برخلاف فقرهای معنوی. بنابراین در راستای رفع آن تلاش می‌کند. لازم‌ترین توجه‌ها برای بشر توجه به فقر علمی است که علم و فکر غذای روح هستند

که غذاهای روح هم بعضی‌ها نشاط‌آور و بعضی از آن‌ها یأس و نومید به روح می‌بخشد. خطرناک‌ترین فکر مسموم، فکری است که رنگ دینی هم داشته باشد.

### ❖ تعصب باطل

حقیقت اسلام طبق فرمایش امیرالمومنین علی علیه السلام تسلیم است. یعنی عناد و تعصب نداشتن با حقیقت است. و شخص مؤمن واقعی در حقیقت‌طلبی نباید اهمیت بدهد که حقیقت را و علم را چه کسی می‌گوید. و آن چه که باید برای او مهم باشد همان حقیقت باشد نه شخص.

### ❖ موجبات کاهش تأثیر تعلیمات دین (۱)

دین جزو سرشت آدمی است و روی برگرداندن بشر از دین جنبه موقت دارد. ما در افراد دو میل در دیدن حقیقت‌ها و اشیاء داریم. یکی از نزدیک دین یعنی درست ببیند، از روی قرائن و دلایل یک شیء را مطالعه کند و درباره آن قضاوت کند و یکی هم از دور دیدن است که قوه خیال و واهمه بر انسان مسلط است و شیخ مبهمی بیش نمی‌بیند و خیال پردازی می‌کند. و آن شیء نزد این افراد موقعی عظمت دارد که مبهم و مجهول باشد. نام این را می‌توان «میل به حرکت در تاریکی» یا خفاش منشی گذاشت. و با همین دید بین خود و آن عظمتی که برای قرآن و رسول خدا و ائمه اطهار قائل شده‌اند دیگر تأثیر دین در نفوس کم شده است.

### ❖ موجبات کاهش تأثیر تعلیمات دین (۲)

#### ❖ خطر تحریف در اسناد دینی

تحریف دو گونه است: ۱- تحریف لفظی ۲- تحریف معنوی. یعنی تحریف در تفسیر و توجیه و تأویل. زمینه تحریف جهل و نادانی مردم است. و یکی از خطرناک‌ترین تحریفات، تحریف در اسناد دینی یعنی در کتب آسمانی و احادیث پیغمبر و سیرت پیغمبر و آثار ائمه اطهار است.

#### ❖ تأثیر گناه و معاشرت با بدان در سیاه‌دلی

گناهان مانند لکه سیاهی هستند که صفحه سفید روح را به تدریج سیاه می‌کنند. و علاوه بر گناه، محیط‌ها و معاشرت‌ها نیز در سیاهی دل و روح مؤثرند. و این تغییرات روحی که بر اثر معاشرت‌ها حاصل می‌شود، نامحسوس و دقیق است که به راحتی قابل تشخیص نیست. البته همه این تأثیرات بر روی کسی است که پرتوی حیات یعنی استعداد و قابلیت و زندگی در دانه روحشان باقی باشد.

#### ❖ تعارف‌های دروغین

تعارف‌هایی که تبادل عواطف واقعی و اظهار محبت صمیمی باشد خوب است اما ملت‌هایی که رشد اخلاقی و اجتماعی ندارند و این تعارف‌ها همه اظهارات بی‌روح و تصنع است، این‌ها داخل در نفاق و دورویی است. و این دو خصلت از مختصات بشر است و کمال انسانی نیست. بلکه یک نوع سوء استفاده از یک استعداد انسانی است.

## جلد دوم

### ❖ راه نیل به آسایش

انسان به حسب خلقت احتیاجاتی دارد و همین احتیاجات او را وادار به تکاپو و گردآوری وسایل می‌نماید. ابتدائاً به نظر می‌رسد تنها راه جلب آسایش همین راه است. ولی این نظریه کودکانه است. چرا که با مطالعه دقیق به این نتیجه خواهیم رسید که فقط قسمت کمی از ناراحتی‌ها و احتیاجات انسان به فقدان وسایل است و منشأ بیشتر ناراحتی‌های او مربوط به حالات و عوارض صفات روحی شخص است. آسایش و سعادت از اعماق روح انسان باید سرچشمه بگیرد. در حقیقت پیشرفت تمدن بشری به نیروی روحی و اخلاقی اوست و برای آسایش فردی و اجتماعی اخلاق صالح لازم است. به همین دلیل حضرت رسول منظور از بعثت را کامل کردن اخلاق شایسته معرفی می‌کند. از نظر اسلام اخلاق نیکو از همه چیز پر ارزش تر است.

### ❖ غریزه فضیلت دوستی و کمال پرستی

در انسان یک قوه فضیلت دوستی و کمال پرستی وجود دارد که حق و باطل را می‌سنجد و درباره آنها قضاوت می‌کند که وجود این قوه به ثبوت روان‌شناسان هم رسیده است. که این یکی از عالی‌ترین امتیازات انسان است با توجه به این قوه چند نکته قابل برداشت است: ۱- حاکم بر افکار ما تنها شهوات پست حیوانی نیست. ۲- احتیاجات انسان ۲ سنخ است: ۱. معنوی، ۲. مادی. و احتیاج به دین از همین جا ثابت می‌شود (دین یعنی پای‌بندی به یک سلسله مسائل معنوی و اصول اخلاقی) ۳- باعث دوست داشتن افراد صالح از سوی جامعه می‌شود. سر حبّ به اهل بیت علیهم السلام همین است. از جمله امام حسین علیه السلام.

### ❖ ثمرات تعلیمات و قیام‌های رجال دین

انسان دیروز در مقابل مظاهر طبیعت مثل آتش، سنگ و ... زانو به زمین می‌زد ولی امروز قدرت فکری بشر به جایی رسیده که همان معبودهای دیروز را مسخر خود ساخته است. موثرترین عامل هم در این کار دعوت‌ها و تعلیمات انبیاء بوده است. در تعلیمات ایشان ۲ چیز بیشتر مورد توجه است: ۱. خداشناسی، ۲. خودشناسی. مجاهدت‌های مردان الهی بود که علم مبارزه با ستمگران و استبداد را برافراشت. مثل حضرت موسی در مقابل فرعون، ابراهیم در مقابل نمرود و ...

### ❖ اغتنام فرصت‌ها

احادیث فراوانی در این باب وارد شده از جمله کلام امیرالمومنین علی علیه السلام «الفرصةُ تمرُّ مَرَّ السحابِ فانتبهوا فُرصَ الخیر» همه این روایات به یک نکته اشاره دارند و آن هم این است که انسان باید مواظب پیشامد باشد و از فرصت‌ها استفاده کند. و این در حقیقت یکی از انواع شکرگزاری از نعمت‌های الهی است. و از دست دادن آن کفران نعمت. فرصت‌ها انواع مختلف دارند بعضی‌ها سالی یک‌بار بعضی‌ها در طول عمر یک‌بار مثل جوانی و بعضی‌ها در طول قرن‌ها یک‌بار مثل اتفاق و هماهنگی افراد جامعه در تغییر سرنوشت خود.

### ❖ تکوین پایه‌های اعمال انسان به وسیله تربیت

اعمال انسان دو قسم است: ۱- اعمال غیرارادی و طبیعی مثل دَوْران خون، ۲- اعمال ارادی مثل درس خواندن که قسم اول شبیه اعمال جمادات و نباتات است. در اعمال قسم دوم یک نحو آزادی وجود دارد که مخصوص انسان است به نام آزادی اراده که نتیجه آن، این است که همیشه انسان ۲ راه در پیش دارد: ۱. سعادت، ۲. شقاوت. و ارزش انسان به این گونه اعمال است. قوه عقل خیر و شر را تشخیص می‌دهد و قوه اراده، محرک سایر قوا می‌شود. البته این آزادی به این معنا نیست که تابع

هیچ نظم و قانونی نیست، بلکه تحت یک نظم و علل بخصوصی است. مثل این که ثابت شده اعمال انسان پایه‌ها و اساس‌های نفسانی دارند مانند غریزه و عادت. فایده تربیت این است که آن پایه‌ها و اساس‌ها را طوری در روح افراد تکوین می‌کند که هیچ‌گاه اراده انسان متوجه کارهای زشت نمی‌شود و همیشه عمل صالح هدف او قرار می‌گیرد.

### ❖ توسعه فکر پایه اول تربیت

عوامل تربیت و ترقی اخلاقی: ۱- توسعه فکر، علم از نظر حیات معنوی نور است. پایه اول تربیت تعلیم است. مردم در جهالت از هیچ چیز استفاده نمی‌کنند حتی دین. خداشناسی نیازمند به توسعه فکر است و خیلی از این بدعت‌ها که در دین وارد می‌شود از روی نادانی و جهالت است.

### ❖ اثر انحراف فکری در توحید

از نظر اخلاق، مادر همه دردهای اخلاقی یا لاقل اغلب آنها، جهل و نادانی است. مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسائل دین توحید است. حرف اول دین و سنگ بنای سائر اعتقادات. یعنی اعتقادات به یک مبدأ ثابت ازلی دائم علیم حکیم عادل که همه موجودات فیض او هستند از او پدید آمده‌اند و به او برمی‌گردند شاهد و گواه همه امور است. عقیده توحید از نظر علمی، عالی‌ترین فکری است که به ذهن بشر رسیده است و اگر درست در مغز جا بگیرد، از نظر عملی نیز به روح نیرو و اراده را قوی می‌کند. و حیرت را که خطرناک‌ترین مرض روحی است را درمان می‌کند.

### ❖ سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

ایشان عالی‌ترین نمونه فضایل اخلاقی و ملکات فاضله روحی بود و هدف از بعثت خود را تکمیل اخلاق معرفی نمودند. ذکر مواردی از سیره پیامبر مثل: خوش اخلاقی حتی با کفار، بشاش بودن چهره در غیر موارد نزول وحی و خطابه و موعظه، شجاع، امتیاز قائل نشدن بر خود نسبت به اصحاب در کارهای شخصی، اعتماد و تکیه بر غیر نداشتند و خود کارهای خود را انجام می‌دادند و ...

### ❖ سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

قسمت مهم از موفقیت‌های حضرت در دعوت مردم به دین مربوط به سیره و طرز معاشرت حضرت می‌باشد. و این نکته اهمیت پرداختن به سیره و روش زندگی حضرت را می‌رساند. ایشان از همه کس به اصول و مقررات اسلام عملاً بیشتر پای‌بند بودند. در دعوت و هدایت اصل رفق و نرمی را رعایت می‌نمودند. هیچ‌گاه تکبر و ترفع نمی‌ورزید و ...

### ❖ سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

در ابتدای دعوت پیامبر هیچ قدرت مادی نداشت ولی با این حال با همان تجهیزات معنوی که خداوند به او عنایت فرموده بودند قیام کرده و از شورش و استهزای مردم بیم نکردند. پیامبر عملاً ثابت کرد که ممکن است بشر قوی باشد و این قوت خود را برای تقویت ضعیفان به کار ببرد. حضرت مثل پدری مهربان فقط به فکر سعادت بشر بودند. در نظر حضرت تنها تقوا و علم اهمیت داشت نه چیزهای دیگر.

### ❖ استقلال فکر

راهی که پیامبر اسلام به امر خدا برای هدایت مردم انتخاب نمودند روشن کردن حقایق و اندرز دادن و عنداللزوم محاجه و استدلال بود. وظیفه ما نیز به منظور اصلاحات اخلاقی و اجتماعی و محکم نمودن بنیان ایمان جز این نیست. یکی از حقایقی

را که قرآن حدود ۲۰ آیه در رابطه با آن دارد و گوشزد نموده است، استقلال فکر است. با این حال شایسته نیست که انسان کورکورانه به تقلید از شخص یا امتی بپردازد.

### ❖ حکومت عقل

انسان ترکیبی از عقل و شهوت است و همیشه در وجود انسان مبارزه بین این دو قوا هست. چیزی که در لسان دین تقوا نامیده می‌شود، این است که در این مبارزه عقل تسلط بر خواهش‌های نفسانی پیدا کند. اسلام نمی‌گوید که انسان این خواهش‌ها را به طور کلی قلع و قمع کند بلکه می‌گوید که این انسان که طبع نامحدودی دارد و به قدر احتیاج و لزوم قناعت نمی‌کند و به حقوق دیگران تجاوز می‌کند را با تقوا جلوی این سرکشی‌ها را بگیرد. دین نه تنها مخالف با عقل نیست بلکه غایت کمال انسان را در آزادی و حکومت عقل بر کشور وجود انسان می‌داند.

### ❖ فطریات بشر

معلوماتی که قوه مدر که بشر خود به خود بدون احتیاج به اقامه برهان، آنها را تصدیق می‌کند مثل اینکه عدد ۳ بیشتر از ۲ است. افلاطون جمیع معلومات انسان را فطری می‌دانسته و می‌گفته که روح پیش از تعلق به بدن در ازل بالفعل همه چیز را می‌دانسته لکن بعد از تعلق معلومات از یادش رفت و آنچه در دنیا به خیال خود علم کسب می‌کند در حقیقت یادآوری است و همه علوم ما تذکر است. بطلان این عقیده ثابت شده در مقابل عقیده کسانی است که جمیع معلومات انسان را کسبی می‌دانند. در هر صورت اجمالاً وجود یک سلسله معلومات فطری برای انسان جای هیچ‌گونه تردیدی نیست. از فرمایشات امیرالمومنین علی علیه السلام خوب آشکار است که علت عمده بعثت پیغمبران توجه دادن به فطرت و استفاده از ذخیره‌هایش است.

### ❖ خاندان نبوت و رسالت، حافظ اسلام

بعد از پیامبر نگهدارنده واقعی و حامی حقیقی اسلام و قرآن خاندان نبوت بوده‌اند. در آن تاریکی‌ها و ظلم‌هایی که بعد از رحلت پیامبر پیش آمد، این اهل بیت علیهم السلام بودند که به تعلیم معالم اسلامی و توسعه نفوذ معنوی اسلامی پرداختند. مهم‌ترین عامل نفوذ روحانی اسلام در آغاز ظهورش ۲ چیز بود: ۱- خود قرآن که نفوس مستعده را منقاد می‌ساخت. ۲- سیره پیامبر و اخلاق او؛ اهل بیت علیهم السلام نمونه‌ای از همان اخلاق بودند.

### ❖ هدایت قلب

ما چندین نوع هادی داریم: ۱- خارجی مثل پیامبران، ۲- داخلی مثل دستگاه هدایت غریزه، دستگاه هدایت حس، دستگاه هدایت عقل و دستگاه هدایت قلب. منظور از قلب، عضو گوشتی بدن نیست بلکه نقطه مرکزی عواطف عالیه و احساسات لطیفه وجود انسان است که عشق به خیر، زیبایی‌ها و ... از آن سرچشمه می‌گیرند. این قلب پر از عجائب و استعداد انسان، بر راه راست آفریده شده یعنی بالفعل عادل است نه ظالم، موحد است نه مشرک و ... احساس پشیمانی بعد از گناه همان فطرت الهی است که بیدار شده. تکرار گناه این شعله هدایت قلب و فطرت را خاموش می‌کند و انحراف را طبیعت ثانوی انسان می‌کند. طرز اعمال و رفتار انسان در زندگی مستقیماً بر قلب تأثیر می‌کند.

### ❖ معرفت دنیای درون

یکی از جنبه‌های نورانی قرآن که نشانه وحی بودن این کتاب است، این است که بشر را به معرفت دنیای درون خود توجه می‌دهد، و مطالعه قسمت ضمیر و نفسانیات را عدل مطالعه عالم بیرون قرار داده است. حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام حکمت آمدن انبیاء را این گونه می‌فرماید: «که وفای به پیمان‌هایی که در فطرت بشر بسته شده بخواهند و استعدادهایی که در سرشت آنها هست بروز دهند...» و «گنج‌ها و دفاتنی که در باطن عقول بشر پنهان است آشکار سازند.»

### ❖ نهضت حسینی، معرف دستور موقعیت‌شناسی اسلام

خوب و بد امر مطلق نیست و به شرائط و موقعیت‌ها بستگی دارد. لازم‌ترین چیزها برای انسان تشخیص موقعیت‌هاست. طرز رفتار و عمل حضرت علی و آل علی علیهم السلام بهترین معرف دستور موقعیت‌شناسی اسلام است و در عین حال معرف عظمت این بزرگواران که علی سکوت و حسن صلح و حسین قیام کردند.

### ❖ تأثیر روحیه در عمل

قرآن در آیاتی چند به یک اصل کلی که مربوط به سرنوشت حیات انسان‌ها است اشاره می‌کند و آن این است که: «هر آنچه که بر سر انسان‌ها می‌آید از نعمت و نعمت، مربوط است به وضع فکری و معنوی آنان.» از این آیات استفاده می‌شود که ۱- زندگی بشری از ذلت و عزت یک قاعده و سنت دارد ۲- اساس اصلی سعادت‌مندی، روحیه عالی و اخلاق فاضله است. و اساس بدبختی، رذایل روحی و اعمال ناشایست. این اصل امروز از نظر علمی هم ثابت گشته است. روحیه یعنی مجموع افکار و معتقدات و فضایل و صفات روحی، اعمال انسان طفیلی روحیه اوست. با این که شاید دو فرد از نظر جسمی شبیه هم باشند ولی دو عمل متفاوت دارند: یکی متقی و دیگری فاجر و علت این هم اختلاف در روحیه است و این طرز فکر و عقیده و ایمان است که این همه فرق‌ها را ایجاد کرده است. زندگی حرکت و فعالیت است ولی مقرون به تقوا و پاکی و گرنه او را به فنا می‌کشاند.

### ❖ هر چیزی ظاهری دارد و باطنی

هر چیزی در این جهان ظاهر و باطنی دارد. حتی مجموعه جهان هستی، و اگر ما به ظاهر اکتفا کنیم از شناختن حقایق محروم خواهیم بود. ظاهر هستی همان نمودهای محسوسی است که به حواس ما می‌آید اما باطن هستی عبارت است از غیب و ملکوت که حاکم بر طبیعت و گرداننده اوست. اصلاً در قرآن یکی از اوصاف اهل ایمان اعتقاد به غیبت شمرده شده است. قوام و دوام هر شیء به روح و باطن آن است. دین هم ظاهری دارد و باطنی، ظاهر آن انجام اعمالی است که از طرف شارع مقدس دستور آنها رسیده اما روح دین یعنی روشن شدن باطن به نور ایمان و عرفان، در این حال است که دل اوج می‌گیرد و شادی خاطر می‌آورد. ولی در غیر این صورت شخص از دین بهره نمی‌برد و به حقیقت به او مؤمن نمی‌توان گفت. روح دین بود که به کمتر از نیم قرن جهانی را مسخر کرد.

### ❖ ظهور هدایت بعد از ضلالت

یکی از مظاهر رحمت الهی این است که هیچگاه بشر را در تاریکی مطلق نمی‌گذارد. ظهور و پیدایش رجال حق در خلال ظلم‌ها به منزله جهیدن برق امید است در عالم ضمیر و جهان دل انسان، مطابق معتقدات دینی یکی از سنن الهی این است که هیچ‌گاه راهنمایان الهی قطع نمی‌شود.

### ❖ عشق الهی

امیرالمومنین علی علیه السلام بندگان را که وظایف الهی خویش را انجام می‌دهند را به ۳ دسته تقسیم می‌کند: ۱- کسانی که به امید رسیدن به ثواب الهی طاعت و بندگی می‌کنند؛ محرک این دسته منفعت و سودبری است. ۲- کسانی که از ترس عقوبت الهی بندگی می‌کنند؛ محرک اینان ترس از مجازات است. ۳- کسانی که نه به محرک دسته اول و نه به محرک دسته دوم، بلکه از این جهت که خداوند شایسته محبوبیت و معبودیت و ستایش است، عبادت می‌کنند. که دسته اول مثل تجار، دسته دوم مثل نوکران و دسته سوم احرار هستند و در بندگی خود عاشق پیشه‌اند. اولیای حق از دسته سوم هستند.

### ❖ صبر

یکی از صفاتی که هم عقل و هم قرآن آن را می‌ستایند، صبر است. ولی متأسفانه کمتر کسی است که معنای دقیق و حقیقی این صفت حمیده را بداند و اصلاً در طول تاریخ کلماتی داشته‌ایم که از آنها به دلیل ندانستن معنای واقعی‌شان سوء استفاده شده. مثل قضیه حکمیت در جنگ صفین که ان‌الحکم‌اللا اله و... کلماتی مثل زهد و تقوا در طبقه متقدمین و در طبقه متجددین کلماتی مثل آزادی، تجدد، کهنه پرستی و... صبر در قرآن به معنای مقاومت و ایستادگی در برابر مشکلات و شدائد است. ولی از نظر مردم به معنای دست روی دست گذاشتن و به انتظار نشستن است. واقعه کربلا نمونه کامل درس صبر قرآن بود.

### ❖ صبر

صبر به معنای ثبات و قدرت مقاومت روح است و این خود یک رکن اساسی شخصیت انسان است. غالباً دیده می‌شود کسانی که تعلیمات دینی را مورد اعتراض قرار می‌دهند به معنای مردمی آن آموزه رجوع کرده‌اند و برای فهمیدن معنای حقیقی آن به معنای اصلی دین از کتاب و سنت رجوع نکرده‌اند. یکی از مواردی که مورد حمله قرار گرفته، همین صبر است، که گفته‌اند: که این موضوع موجب وقفه و رکود فعالیت می‌شود و روح مبارزه را در زندگی می‌کشد و مردم را عادت می‌دهد که در مقابل فشارهایی که از طرف اقویا بر آنها است تسلیم باشند. در جواب باید گفت ما هیچگاه چنین تعلیمی در دین نداریم که اینگونه باشد بلکه برعکس اصل دفاع از خود و استیفای حق داریم و اهمال در استیفای حقوق در ردیف گناهان شمرده شده است. صبر در اسلام به معنای مقاومت است. صبر بر طاعت، صبر بر معصیت، صبر بر مصیبت.

### ❖ صبر

صبر به معنای تسلط بر نفس است و منظور از ایمان همین فایده است. اشخاصی که داری صبر و ثبات و استقامت باشند، دارای شخصیت بزرگ اخلاقی و عظمت روحی خواهند بود. یکی از اسرار موفقیت امام حسین علیه السلام در هدف خود، صبوری است که زنان و فرزندان از آن حضرت از خود بروز دادند، ایمان در خاندان نبوت اثر کرده بود، دارای استقلال فکر و اراده و عظمت روحی و فضیلت اخلاقی و تسلط بر نفس بودند.

### ❖ آرایش و بی‌آرایش در عقل و فکر

کلمه رجس یا رُجْز و طهارت که در قرآن آمده اختصاص به امور جسمانی ندارد بلکه غالباً در امور معنوی به کار برده شده است. دیانت مقدسه اسلام به موجب اعلامی که با جمله «و یزکیهم» و مانند آن کرده و به موجب دستورات دینی خود برای پاکیزه کردن بشر در جمیع مظاهر وجودی چه در ناحیه بدن و لباس و محیط زندگانی و ... و چه در ناحیه عواطف و اخلاق و چه در ناحیه عقل و افکار، بوده است. هر چیزی بر حسب فطرت پاک آفریده شده و آلودگی‌ها و انحرافات اموری است تبعی و عرضی بر آن. عقل هم که شریف‌ترین موهبت الهی است از امراض و آلودگی‌ها در امان نیست و برای درمان انحرافات آن سال‌ها وقت لازم است تا اصلاح و یا به کلی ریشه کن شود. تقلید و عمل به ظن، سرعت در قضاوت از امراض عقلی و فکری بشر است. یکی از اساسی‌ترین امراضی که جامعه امروز ما مبتلا به آن است تقلید است. از مقلد تا محقق فرق‌هاست. محقق نافع و مضر بودن اشیاء و حسن و قبح آن را درک می‌کند ولی مقلد نه. مقلد هر حقیقتی را که از هر منبعی بگیرد چه از منبع دین و چه از منبع تمدن و تجدد به بدترین صورتی آن را مسخ می‌کند و قلب ماهیت می‌دهند. مثل کلمه آزادی که آن را به معنای غوطه‌ور شدن در منجلاب فحشاء، پستی معنا می‌کند و تا کشتن فطرت و سقوط به حضيض حیوانیت پیش می‌رود. ولی محقق این‌گونه معنا می‌کند آزادی یعنی اسیر زنجیر کبر و حسد و نفاق و تملق و ریا و بت پرستی و هواپرستی و ظلم نبودن یعنی اسیر اوهام و خرافات نشدن.

## ❖ آثار به هم خوردن تعادل اجتماع

هر فردی دو شخصیت دارد: ۱- اجتماعی، ۲- واقعی. موقعیتی که هر فرد به واسطه یکی از امور (مثل استعداد خود، ثروت، علم و ...) که در اجتماع دارد، شخصیت اجتماعی او را تشکیل می‌دهد. اما شخصیت فردی را مجموع قوای ذاتی و استعداداتی که در وجودش هست و خصایص و ملکاتی که در طول عمرش کسب کرده تشکیل می‌دهد. شخصیت واقعی جزء جوهر انسان است و امری است حقیقی اما شخصیت اجتماعی امری است اعتباری و با اندک موجبی از بین می‌رود. یکی از نشانه‌های فنا اجتماع این است که مقامات بزرگ به دست افراد بی‌شخصیت سپرده شود. این علامت این است که تعادل آن جامعه به هم خورده است. در اجتماعات مرفعی این طور نیست و افراد به تناسب شخصیت واقعی‌شان به مقامات اجتماعی نایل می‌شوند. وقتی تعادل به هم خورد دیگر مردم هیچ توجهی به پرورش و تهذیب و تکمیل شخصیت واقعی خودشان و فرزندانشان و مطلق اشخاص مورد علاقه‌شان نمی‌کنند. مثلاً اگر فرزندشان را وادار به درس بکنند عمده به کسب معلومات و تهذیب و تکمیل اخلاق نیست بلکه به خاطر گواهینامه (مدرک) تحصیلی است که آن را دستاویز غضب مقامات اجتماعی قرار دهند. پس اثر اولی به هم خوردن تعادل این است که نظم زندگانی عموم را به هم می‌زند، دوم این که آب حیات و معنویات را خشک می‌کند.

در مراحل اولیه یگانه وسیله نشر و توسعه فضایل و کمالات آدمیت، تشویق است. یکی از عالی‌ترین دستورهای تربیتی اخلاق این است که مردم را طوری تربیت کنند که فضایل انسانیت از قبیل علم و هنر و ... را برای خود این امور دوست داشته باشند نه برای چیز دیگر. و یکی از تعلیمات نورانی اسلام این است که تهذیب و تزکیه نفس را بر همه چیز مقدم دانسته و آن را به عنوان یک وظیفه عمومی مطرح نموده است، در هر رشته و طبقه‌ای که باشیم.

## ❖ حسد

در انسان یک صفت حسن به نام غبطه وجود دارد در مقابل یک صفت رذیله به نام حسد وجود دارد که منشأ مختلفی دارد. مثل جاه‌طلبی افراد، مثل کینه و گاهی خبث نفس است. این گونه افراد علاوه بر بخل دارای شُحّ اند یعنی حتی راضی نمی‌شوند که مال دیگری به دیگری برسد. یگانه راه برای مبارزه با صفت حسادت، تقویت ایمان و عقل است. بطور کلی حسد ناشی از اجتماع ۲ صفت است: یکی نقص و دیگری ضعف.

## ❖ مالکیت نفس و تسلط بر خویشتن

اهل تحقیق می‌گویند: هدف عالی و نهایت تربیت، مالکیت نفس و تسلط بر خویشتن است و این را میزان عظمت شخصیت افراد بشر معرفی می‌کنند.

مراحل انجام عمل: ۱- فکر، ۲- فوائد و مضار آن کار، ۳- میل غریزی تحریک می‌شود، ۴- تصمیم و اراده به آن کار، ۵- عمل به کار.

اراده در وجود انسان سمت قوه مجریه را دارد و فکر سمت قوه مقننه. در تعلیم و تربیت، هدف تعلیمات تقویت دستگاه فکر و ادراک است و هدف تربیت تقویت نیروی اراده است. و چیزی که جوهر شخصیت انسان را تشکیل می‌دهد همانا عقل و اراده اوست و سایر امور طفیلی‌های وجود انسان است. و ملاک شخصیت واقعی انسان روح انسانی است و این روح انسانی است که در مبارزه با شهوات و اهواء نفسانی مغلوب و یا غالب می‌گردد.

## ❖ غذای روح

انسان در ناحیه روح عیناً مثل بدن محتاج به تغذی است و غذای آن علم و عشق و امید و ایمان است. و این عشق حقیقی است نه مجازی. یعنی عشق به مبدأ کل عالم که معدن خیرات و منبع همه جمالها و کمالهاست ظرفیت روح نامحدود است و این احتیاجات روح را نمی توان با مادیات تأمین کرد بلکه نیاز به معنویات است.

## ❖ توبه و انابه

یکی از خصوصیات انسان این است که میدان عملش وسیع است و به حقیقت مختار و آزاد در عمل می باشد. یکی از حالات خاص بشری توبه و انابه است. عجیب این است که آدمی در ناحیه اعمال زشت و زیبای خود، خودش عملی را انجام می دهد و بعد هم خودش عکس العمل تولید می کند و در مقابل عمل خودش مقاومت می کند. این یکی از حیرت انگیزترین حالات بشری است. و این همه به خاطر وجود دو قوه در انسان است: قوه شهوت، قوه عقل و ایمان و وجدان. توبه یکی از عالی ترین مقامات انسانیت است. توبه یک قیام اصلاحی است. و آن هم به ندامت از گذشته و تغییر نیت نسبت به آینده و ترمیم و جبران گذشته هاست. اعم از حق الناس و حق الله.

## ❖ خالق جهان و جهانیان

آفریننده ما و همه موجودات دیگر خداوند است که با چشم دیده نمی شود ولی با دلیل عقلی می توان او را شناخت. عقل ما می گوید خود ما آدمیان که دارای عقل و هوش و چشم و ... هستیم و هر کدام به درد کاری می خورد، قطعاً پدید آورنده دانا و بینا و آگاهی داشته است. آدمی زاد هر چقدر بیشتر در خلقت خودش و خلقت سایر موجودات فکر کند و کتابهایی که در این زمینه نوشته شده را بخواند معرفت اش نسبت به خداوند زیادتر می گردد.

## ❖ آثار ایمان به خدا

ایمان به خدا دل را روشن و امیدوار و خوشبین به آدمی نیرو می بخشد و قدرت مقاومت او را مضاعف می سازد. ایمان طبع آدمی را رام و مطیع عقل می سازد و دل او را نرم و متواضع می کند. عدالتها و رعایت حقوق ضعفا، نیکوکاریها و گذشتها و مقدم داشتن دیگران بر خود، شجاعتها، قیامها در برابر فرعونها همه از آثار ایمان به خداوند است. به هر اندازه علم و صنعت و ثروت و قدرت زیادتر شود و تمدن توسعه پیدا کند، احتیاج بشر به ایمان و عقیده دینی مضاعف می گردد.

## ❖ مأموریت پیغمبران خدا

همه موجودات عالم که آفریده شده اند کمالی دارند و استعدادشان بر اساس همان کمال است و خداوند به موجب لطف و رحمت خود، همه موجودات را به سوی آن کمال هدایت می کند. بر همین اساس خداوند گروهی از بندگان مؤمن و برگزیده خود را که پیغمبران نامیده می شوند را برای هدایت ما آدمیان فرستاده کسانی که از صفا و پاکی به آنجا رسیده اند که شایسته وحی و الهام بوده اند و با دلایل و آیات و معجزات از طرف خداوند تأیید گشته اند. مأموریت آنان هم مبارزه با کارهای زشت و اخلاق زشت و مبارزه با هواهای نفسانی و شهوات بی حد و حساب بشر و مبارزه با عقاید باطل و خرافات و مبارزه با تعصبها و جهالتها بوده است. و چون می خواسته اند عدالت و نظم را در زندگی بشر برقرار سازند همواره جباران بر سر راهشان قرار داشته اند و ناچار با آنان نبرد کرده اند.

## ❖ پیغمبر اسلام

از ویژگی های پیغمبر فرموده و شرایط زمان بعثت حضرت در جزیره العرب.

## ❖ علی بن ابی طالب علیه السلام

او مرد شماره دو اسلام است و هیچ کس به اندازه او در راه اسلام اخلاص و فداکاری و مجاهدت به خرج نداد و هیچ کس به اندازه او به روح و معنی و حقیقت اسلام آشنا نبود. او عالم‌ترین، زاهد‌ترین و باتقواترین مردم بعد از پیغمبر بود.

## ❖ فریضه علم

خداوند در قرآن به پیامبر می‌فرماید: از خداوند فزونی علم بخواه. علم دو جنبه دارد: ۱- این که در ذات خود شرف و کمال است، عالی‌ترین استعداد انسان این است که می‌تواند تا اندازه‌ای از حقایق جهان باخبر گردد و قوانین آن را بشناسد. احترام به دانشمند به خاطر دانش‌ناشنانه دانش‌خواهی و حقیقت‌جویی است. ۲- این که علم بهترین وسیله زندگی است، قدرت و توانایی است.

## ❖ کار در اسلام

یکی از واجب‌ها برای هر کسی کار است. خداوند از آدم بی‌کار بی‌زار است. کار یک فریضه اجتماعی است و اینطور نیست که فقط تهیدستان باید کار کنند بلکه وظیفه همه افراد حتی مرفهین هم است. تنها در پرتو کار است که آدمی به استعدادهای نهفته وجود خود پی می‌برد و شخصیت خود را باز می‌یابد. کار باعث سلب اعتماد از پول و پارتی و دار و دسته و اعتماد به لیاقت خود شخص می‌شود. کار به بدن سلامت و نیرو می‌بخشد، کار مانع بروز گناه و جرم و جنایت می‌شود. کار موجب سرگرمی فکر و مانع هجوم هوس‌ها و خیالات شیطانی است، کار معلم است هرچه بیشتر کار کنیم بر معلومات و تجربیات افزوده می‌شود. به عقل قوت و انتظام می‌بخشد. کار مانع هجوم اندوه‌ها و غصه‌هاست. کار کانون لذت است و به دل شادی می‌دهد. خصوصاً اگر جنبه هنر، صنعت و ابتکار داشته باشد. بیکاری اندیشه‌ها و احساسات را از نظم خارج و هرزه می‌کند. یکی از فوائد کار حفظ آبرو و حیثیت اجتماعی است.

## ❖ توأم شدن علم و کار

دانش و کار دو بال بشر برای رسیدن به سعادت است. دانش حق عمومی و کار وظیفه عمومی است. علم چراغ است و کار حرکت و این دو نباید از هم جدا باشند و این باعث پیشرفت می‌باشد.

## ❖ انسان به اخلاق خوب نیازمند است

صفات روحی و اخلاقی تا حد زیادی انتخابی و اختیاری و قابل تغییر است و همین صفات بزرگ‌ترین عامل سعادت و شقاوت افراد می‌باشد. به انسان عقل و اراده داده شده که صفات خوب را از صفات بد تمیز دهد و آنچه که متناسب با شأن زندگی آدمی است تکمیل کنند و مردم را به سوی آنها تشویق کنند. هر وسیله خوب آن‌گاه برای بشر مفید است که خود بشر خوب باشد و وظیفه مریبان الهی ساخت انسان‌های خوب است، دانش و کار که دو شرط سعادت بشرنده، هنگامی کافی هستند که مقرون به صفات اخلاقی خوب بوده باشند.

## ❖ علل مفساد اخلاق

خلق و خوی خوب به فطرت بشر نزدیک‌تر از خلق و خوی بد است. یکی از عواملی که باعث انحراف روحیه می‌شود، محیط فاسد و آلوده است. به همین دلیل می‌بینیم که یکی از فرائض اسلامی ما اصلاح محیط و ایجاد محیط مساعد است که به نام امر به معروف و نهی از منکر خوانده می‌شود یکی دیگر از عوامل افراط و تفریط در کار کردن است که بیکاری منشأ پاره‌ای از اخلاق رذیله مثل غیبت و ... است و پرکاری هم مثل کم حوصلگی و ... را به دنبال دارد. یکی دیگر از عوامل،

عدالت اجتماعی است، بیماری تن و جهل و نادانی و توجه نداشتن به آثار اخلاق نیک و زشت از دیگر عوامل هستند. شرایط تحصیل اخلاق نیک از این قرار است: ۱- ایمان، ۲- معلم شایسته، ۳- کتاب‌های نافع، ۴- کار صحیح به اندازه، ۵- میانه‌روی در استفاده از لذات، ۶- سلامت تن، ۷- عدالت اجتماعی، ۸- محیط سالم، ۹- معاشر خوب.

### ❖ قدرشناسی وقت و زمان

اسراف وقت از اسراف مال زیانبارتر است چرا که او قابل جبران نیست ولی مال تدارک می‌شود. ارزش هر چیزی برای انسان وابسته به ۲ چیز است: یکی مقدار اثر آن در سعادت انسان و یکی هم فراوانی و یا کمیابی آن. زمان از پر ارزش‌ترین سرمایه‌های انسانی است. تلف زمان دیگران مثل خلف وعده، معطل کردن ارباب رجوع، تأخیر برنامه‌های تعیین شده مجالس و ...

### ❖ نظم و مهارت در استفاده از وقت و نیرو

سرمایه عمر همیشه در جریان و در حال خارج شدن است، برای قدرشناسی از وقت، مهارت و استادی از نظر بهره‌برداری لازم است. استفاده بیشتر در مدت زمان کم اولاً نیاز به برنامه دارد، ثانیاً برای هر کار وقت مناسب همان کار نیاز است، ثالثاً ترتیب کارها طوری باشد که وقت خالی نماند.

### ❖ نماز

نماز مظهر نیاز، خضوع و طاعت مخلوق نسبت به خالق است. نماز پایه دین و شرط قبولی سائر اعمال است. در همه شرائع الهی نماز بوده است. نماز شرائط و آدابی دارد و آن مجموعه‌ای از آنچه یک انسان تربیت یافته و مترقی باید دارای آنها باشد، است. انسان تربیت یافته پاکیزه و نظیف و وقت‌شناس و آشنا به حقایق و با انضباط و خویشتندار است. که همه این‌ها در نمازگزاری که وارد نماز می‌شود، موجود است.

### ❖ روزه

روزه، مشق و تمرین خودداری و پرهیزکاری و تسلط بر نفس است. و با این تمرین، در شخص عادت و ملکه‌ای پدید می‌آید. روزه علاوه بر فواید جسمی، تقویت اراده و شخصیت اخلاقی و استحکام روحی بسیار سودمند است. بعلاوه در اثر در هم شکسته شدن شهوات به وسیله روزه، در قلب نرمی و خشوع پدید می‌آید که زمینه برای عبادت بهتر فراهم می‌شود. حس همدردی نسبت به فقرا و ضعفاء به وجود می‌آورد و انسان را یاد خدا و آخرت و عواقب گناه می‌اندازد.